

پیشنهاداتی برای مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران استان قم

حوزه علمیه خواهران به هدف تربیت مبلغین زن تأسیس شده است. افرادی که می‌توانند به سبب تشابه جنسیتی با بانوان جامعه اسلامی، هم بهتر مسائل و مشکلات آنان را درک نمایند و هم بهتر به این مشکلات پاسخ دهند و مخاطب را متقاعد سازند. بنابراین از یک سو، باید توانایی «شناخت بهتر» را به این افراد آموزش داد و از سوی دیگر توان «پاسخ‌دهی» را. البته این نکته نیز همیشه مد نظر هست که متخلّق بودن به «اخلاق اسلامی» و روش و منش محسنانه و نیکوکارانه مهم‌ترین کلید ارتباط موفق برای تأثیرگذاری در مخاطب است؛ چیزی که تمام مبلغین به آن محتاجند.

برگزاری دوره‌های فشرده پاسخ به شبهات

بانوان مبلغ، حتی پیش از آن‌که به تبلیغ بروند، همان روزهای نخستی که پای به مدارس علمیه می‌نهند، با سیل پرسش‌ها و شبهاتی از سوی آشنایان خویش مواجه می‌گردند؛ نصف بودن دینه زن، حق طلاق مرد، اذن خروج از منزل، نیاز به اذن پدر در ازدواج، اجازه شوهر برای خروج از کشور و هزاران مسأله دیگر.

فرصت کم است. نمی‌شود صبر کرد تا صرف و نحو تمام شود و فقه و اصول را آغاز کند. باید همان روزهای اول طلبگی، در طی یک دوره فشرده، پاسخ چنین شبهاتی را در اختیار طلبه قرار داد تا پاسخگو باشد.

همکاری با مرکز مطالعات زن و خانواده

دفتر مطالعات و تحقیقات زنان اساساً درون حوزه علمیه خواهران کار خود را آغاز کرد. دو برادر حوزوی زحمت کشیده و کتابی در حوزه مطالعات زنان نوشته بودند و همین منشأ تشکیل این دفتر شد. امروز که این مرکز مستقل شده، اما هنوز بزرگ‌ترین ظرفیت برای حوزه علمیه خواهران است؛ سرمایه‌گذاری‌ای که هنوز به نظر می‌رسد استفاده شایانی از آن نشده باشد.

افرادی در این مرکز فعالیت کرده و پرورش یافته‌اند که برای حوزه سرمایه محسوب می‌شوند. نخستین همکاری در خصوص همان بند شبهات است. یک درخواست، تمام شبهات را فهرست کرده، دوره فشرده را طراحی نمایند. یک استاد هم در اختیار قرار دهند تا اساتید حوزه را آموزش دهد. اساتید نیز دوره‌های فشرده را برگزار خواهند نمود.

طرح حضور طلاب جوان در مدارس دختران

طلبه روزهای اول طلبگی جرأت دارد. احساس قدرت می‌کند و توانستن. زمان که بگذرد، با حجم زیاد علوم حوزوی که مواجه گردد، چند سال بعد، جسارت‌ها معمولاً ته می‌کشد و طلبه علم پیدا می‌کند چه ضعف علمی عمیقی دارد، در مقابل حجم تراش شیعه. تا وقتی این جهل مرکب وجود دارد، اعتماد به نفسی دارد که باید از آن استفاده نمود. چیزی که همه مدارس دخترانه شهر ما بدان نیاز دارند.

مدارس آموزش و پرورش دچار کمبود معلم هستند. معلم‌ها معمولاً «تقلیل» دارند و مجازند سه چهار زنگ در هفته را کلاس نروند. دولت پول ندارد حق‌التدریسی با آن‌ها حساب کند و هزینه این جلسات را ظاهراً بدهد. در خیلی از مدارس دخترانه، این مادرها هستند که این زنگ‌ها را پر می‌کنند. یکی خود را معلم حجاب می‌نامد و هر چه خودش در این باره بداند به بچه‌ها آموزش می‌دهد. دیگری معلم هنر می‌شود و این زنگ‌های خالی را کاردستی و نقاشی.

دو سه ماه که از آغاز طلبگی گذشت، محتوایی آموزش در اختیار بانوان طلبه قرار می‌گیرد و اعزام می‌شوند به مدارس. رایگان. خودشان استقبال خواهند کرد که تجربه‌ای‌ست برای پیشرفت و همساز با جرأت و جسارت روزهای اول‌شان. مدرسه‌ها هم خوشحال، بهتر که زنگ‌های خالی‌شان پر می‌شود.

مدال‌های افتخار و جام‌های پیروزی

مبلغ سرباز است؛ سرباز اسلام. هر تبلیغی یک مبارزه است؛ مبارزه با جهل و نادانی بشریت. مبلغ جهاد می‌کند و هر که بیشتر جهاد نماید؛ کم‌ا و کیفاً، اگر کارش بهتر بوده، کار بیشتر و قوی‌تر و بزرگ‌تر را باید به او سپرد. پس باید بهترین‌ها را شناخت. تمامی نظام‌هایی که با سرباز کار دارند و به جنگ می‌پردازند، درجه و نشان را جزئی غیرقابل انفکاک از نظام خود می‌شناسند. نمی‌شود ارتش و سپاه داشت و نشان و مدال نداشت. رتبه‌بندی مبنای تشکیلاتی هر سازمان در جنگ است.

مبلغ مدال می‌خواهد. اگر دوره فشرده پاسخ به شبهات برگزار کردیم، آنان که شرکت کردند نشان می‌خواهند. باید داشته باشند و حق‌شان است. حق مردم هم هست که بفهمند این طلبه درجه‌دار است؛ درجه پاسخ به پرسش‌ها. اگر ده جلسه تبلیغ رفت، نشان بگیرد. مدالی که نشان دهد رتبه‌اش افزون شده. این چه فایده دارد؟!

نخست این که انگیزه می‌دهد. رقابت می‌زاید و امید می‌بخشد. اگر دوره‌ای برگزار شود، شرکت‌کنندگان داوطلب زیاد می‌شوند.

دیگر این که استفاده رایگان را ساده می‌کند. وقتی قرار است پول کمی به طلبه داده شود، تبلیغ اگر چه باید برای خدا باشد، اما انگیزه گرفتن درجه کمک می‌رساند. بانو به تبلیغ می‌رود، مجلس برگزار می‌کند، به مدرسه‌های دوردست‌تر برای تبلیغ، زیرا امید دارد که رتبه‌اش بالاتر خواهد رفت.

دکان‌های مدرسه‌نرفتها نیز برچیده و کم‌رنگ می‌شود. وقتی زنان در گوش هم نجوا کنند که فلان بانوی طلبه مدال شجاعت گرفته و چهار پنج رتبه تبلیغی درخشان دارد، دیگر خانم جلسه‌ای بی‌سواد را که سال‌هاست ذهن‌شان را افسون کرده و از دین و ایمان‌شان به شیوه‌ای ناروا کاسته، خرافات را باورشان ساخته و اندیشه‌های بی‌بنیان را مبنای عقایدشان، راه نمی‌دهند و دعوت نمی‌کنند. امضای حوزه علمیه یا امضای فلان مرجع موجب، ابزاری می‌شود برای جمع کردن بساط بی‌سوادان.



همه چیز را که نمی‌شود حفظ کرد. همه هم که حافظه قوی ندارند. همیشه هم کتاب و کتابخانه در دسترس نیست. یک سامانه برای حوزه علمیه خواهران ضروری‌ست که راه‌اندازی شود؛ سامانه پاسخ‌دهی سریع به طلاب.

هر بانوی طلبه که مجوز تبلیغ می‌گیرد، کد تبلیغی دریافت نموده و در کنار آن، شماره تلفنی برای تماس‌های ضروری. سه نفر در سه شیفت کاری، پشت چند گوشی تلفن و دسترسی سریع به اینترنت. این تمام چیزی‌ست که برای شروع لازم است. طلبه گیر کرده، از او پرسیده‌اند و پاسخ نمی‌داند، سریع تماس می‌گیرد و شماره‌اش که بیافتد، اپراتور می‌شناسد، یا اگر شماره جدید باشد، کد تبلیغی را اعلام می‌نماید. اپراتور پاسخ را می‌جوید و اطلاع می‌دهد.

هم اعتبار طلبه را میان مخاطبین وی افزایش داده‌ایم که نگویند بی‌سواد است و از پذیرش‌شان بکاهد. هم جلوی پاسخ‌های من‌درآوردی و خلق‌الساعه را گرفته‌ایم. همه که تقوای کافی ندارد تا بگویند: نمی‌دانم!

این سامانه تنها نسبت به طلاب پاسخگو خواهد بود و تخصصی برای خدمت به طلاب حوزه علمیه خواهران. اگر چه بعدها قابل توسعه به بخش‌های دیگر حوزه می‌تواند باشد.

پایان

